

بحث در اطراف طرح قانون شورای خانواده

از جمله طرحهای جدید وزارت دادگستری که ضمن مجموعه‌ای انتشار یافته و در مقدمه آن طی بیانات جناب آقای وزیر دادگستری نظریه صاحب نظران در مورد آن خواسته شده است، طرح مربوط به تشکیل شورای خانواده می‌باشد. با آنکه خود را صاحب نظر نمی‌دانند چون با مطالعه طرح من بور مطالبی جلب توجه کرده که ممکنست بیان آنها صاحب نظران را بکار آید نکاتی که بنظر رسیده و استنباط شده بدینوسیله برشته تحریر در می‌آید.

هر چند که مسئله طلاق از اهم مسائل مورد نظر و شاید انگیزه اساسی ایجاد چنین طرحی بوده است مع هذا شاید بلحاظ رعایت احترام قوانین و مقررات اسلامی و همچنین احساسات دینی و مذهبی مردم کشور، طلاق بعنوان يك مسئله فرعی و جزئی و در پایان شق ۱ ماده ۶ طرح من بور بطور خیلی عادی و ساده و بمنزله یکی از مسائل پیش پا افتاده زندگی، ضمن سایر اختلافات خانوادگی مشمول طرح من بور بیان شده است.

←

تیماهی با رخ خود رسیده و حاکم بر شئون زندگی سیاه و آلوده ماست فریب خوردگانی ما نند او کم نیستند، داستانی مشابه ماجرای او را که چند سال پیش در مشهد اتفاق افتاده و یکی از همکاران قضائی من شاهد آن بوده و حتی پرونده آن را مورد اقدام و رسیدگی قرارداد بود حکایت کردم که عینا در اینجا نقل میکنم...

قباله از دواجی که بسند اخراج از خدمت تبدیل شد :

میدارد. خود داخل میشود یک ساعت بعد خارج میشود و ورقه نوشته و امضاء شده‌ای را تحویل عروس میدهد و با هم بچله میروند، این دختر که بی سواد از آن خانم تحصیل کرده زیرک تر بوده یکی دو ماه پس از عروسی سندانزدواج خود را بمردها سواد از نزدیکی خویش نشان میدهد تا برایش بخواند. او هم عین نامه را باین صورت میخواند:

همه چیز حتی آبرو و شرف و ناموس سرو کار دارد نخواهنده امضاء کند؛ داستان سوزناک او در میان موجی از اشک خاموش شد.

همه ما از شنیدن این ماجرا بی اندازه متاثر بودیم. برای آن که بآن زن فریب خورده و بینوا دلنازی داده باشیم و با وقایت کرده باشیم که در اجتماع آشفته و پریشان ماکه اکثریت افراد آن از تعلیم و تربیت صحیح برخوردار نیستند و فساد و

چندی قبل در مشهد، جوانی از يك دوشیزه بی سواد که در کارخانه بافندگی کار میکرده و از کد یمین و عرق جبین امرار معاش می نموده است خواستگاری میکند. با هم بمحضر میروند. داماد که خود را مردی غیور و ناموس پرست جلوه میدهد باین بهانه که میل ندارد عروس نازنینش را چشم نامحرمی ببیند، عروس خانم را بیرون در نگاه

آقای کارمند حکمی

بر اثر تقلیل: بودجه و نداشتن احتیاج بخدمت شما خاتمه داده

میشود. حقوق پانزده روز گذشته خود را از صندوق دریافت دارید.

رئیس

این امر اگرچه از نظر فن نویسنده گی و سیاست قضائی فوق العاده جالب توجه و حاکی از زیرکی و ذکاوت تهیه کنندگان طرح مزبور است ولی از نظر قانون نویسی و وضع مقررات، تولید ابهامی کرده و می کنند که مجریان قانون را با مشکلات زیادی مواجه می سازد.

طبق ماده ۱ طرح مربوط به تشکیل شورای خانواده، از تاریخ تصویب این قانون اختلافات خانوادگی قبل از طرح در مراجع قضائی در شورائی بنام شورای خانواده مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت. بنا بر این، قانون مزبور فقط ناظر باختلافات خانوادگی خواهد بود و مسئله طلاق طبق قوانین موجود فی نفسه اختلافات خانوادگی نیست که الزاماً همیشه بدانگاه ارجاع گردد و چه بسا مواردی پیش می آید که شوهر با استفاده از ماده ۱۳۳ قانون مدنی که میگوید پدر میتواند هر وقت که بخواهد زن خود را طلاق دهد و قاعده فقهی «الطلاق یبدن من اخذ بالاساق» یکی از دفاتر رسمی طلاق را جسته نموده زن خود را رسماً رها می سازد و اساساً مسئله در دادگستری مطرح نمیشود و چون در طرح فوق الذکر و هیچیک از طرحهای پیشنهادی ماده ای که ناسخ ماده ۱۳۳ قانون مدنی باشد، پیش بینی نشده نقض غرض تهیه کنندگان طرح مزبور خواهد شد.

از طرفی نسخ ماده ۱۳۳ قانون مدنی نه قابل تصویب است و نه قابل تجویز. قابل تصویب نیست زیرا که در دوره فترت قانونی بوجود نمی آید تا بتواند ماده ۱۳۳ قانون مدنی را نسخ کند و اعتبار قانونی آنچه بصورت تصویب نامه بتصویب هیئت وزیران میرسد از نظر قضائی مورد تأمل و ایراد است. قابل تجویز نیست زیرا که ماده مزبور از قوانین مسلمة و معتقنه فقه اسلامی است و هر قانونی برخلاف آن وضع گردد بر فرض که واجد تمام شرایط و باطنی تشریفات لازم باشد بر خلاف اصول اول و دوم متمم قانون اساسی است.

اگر طبق شرایط و خصوصیات که در شرح اسلام برای طلاق منظور گردیده است رفتار شود بهیچوجه مفسدت و منقصتی در این تاسیس حقوقی دیرین روی نخواهد داد. اینکه میبینیم تعداد طلاق روز افزون میگردد و پیوند برخی از خانواده ها دوام و قوامی ندارد علت اساسی آن علاوه بر عدم رعایت خصوصیات و شرایط لازم برای زندگی زناشویی اسلامی و تقوی و پرهیزکاری، در نظر نگرفتن شرایط خاص و اجرائی تشریفات مخصوص طلاق است.

بر صاحب نظران قضائی پوشیده نیست که در اسلام برخلاف آنچه در مقررات عقد نکاح تسهیلات منظور گردیده در شرایط طلاق قیود و اشکالات ایجاد شده و بدیهی است که علت آن مخالفت شد بد قانون گذار اسلام با طلاق بوده است. قرآن کریم در آیه ۳۹ سوره النساء میفرماید: «... وان خفتم شقاق بینهما فابعثوا حکماً من اهلہ و حکماً من اهلها...» که با توجه باین عبارت معلوم میگردد ناسازگاری بین زوجین که منجر بر هائی و طلاق می گردد برای قانونگذار اسلام هول انگیز و ترس آور بوده که از آن باین نحو یاد کرده است. همچنین در احادیث نبوی آمده است که «ابن الحلال عند الاله الطلاق» و نیز شرایط خاص لازم در موقع اجرای صیغه طلاق و لزوم حضور دو نفر شاهد عادل و خصوصیات حساس لازم بصیغه طلاق و الزام مجری صیغه طلاق به نصیحت و اندرز زن و شوهر و تمثل و تسامح در صیغه طلاق قبل از اجرای آن و حق رجوع در مدت عده بدون هیچگونه تشریفات و امثال اینها تماماً دلالت بر حقیقت فوق دارند.

اگر تاسیس دفاتر رسمی طلاق و تعیین اجرت و پاداش در مقابل گسستن پیوندهای خانوادگی و گماردن افرادی ایمان در را بعضی از دفاتر رسمی طلاق و برهم زدن مبانی اعتقادات مذهبی باعث شده که سوء جریانی در اجرای این حکم پیش آید، عیب حکم نیست بلکه عیب مجری و طرز اجرای آنست.

باین حقیقت باید معترف بود که بسیاری از طلاقاتی که جاری میشود برخلاف موازین شرعی و قانونی و فاقدان قضائی است و ازدواج بعد از آنها ایجاد علقه زوجیت نمی کنند مع هذا آیا بهتر نیست بجای آنکه مسلمان اجتماع بفکر بر هم زدن مبانی یک تاسیس حقوقی ریشه دار و عمیق بر آیند و بنائى را که متجاوز

از هزار سال است ایجاد شده خراب کنند و در هم ریزند بفر ترمیم و تعمیر آن شوند تا هم جلال و شوکوه و اهمیت خود را حفظ کنند و هم قابل استفاده نسل حاضر و متناسب با احتیاجات روز گردد؛

بهر حال چون با توجه با حساساتی که بنظر یا بدست فعلا در اجتماع ماست تصور نمیرد بتوان جلوی این سیل بنیان کن را بکلی گرفت لا اقل باید با تدبیر و کاردانی و چابکی وزیر کی آن را چنان مهار و کنترل کرد که نه تنها خرابی بیار نیابد و در نظم جامعه را مختل نسازد بلکه موجب قوام و دوام خانواده که سلول اولیه اجتماع است گردد. خوشبختانه این حقیقت مورد توجه تنظیم کنندگان طرح بوده و عبارات آن دلالت بر رعایت نکات بالا را دارند.

با توجه به مراتب بالا اگر در باره طرح قانون تشکیل شورای خانواده بحثی میشود فقط باین منظور است که این بنا بر جلال تر و مستحکمتر گردد نه آن که اساس فکر اخذ حق طلاق از مرد تجویز و تصویب شده باشد و با حفظ این مراتب بشرح زیر انتقاداتی که نسبت بطرح وارد است بیان می گردد؛

۱- چون گاه ممکنست در امر طلاق زن و شوهر راضی باشند و نیازی بطرح آن در دادگاه که مستلزم رجوع بشورای خانواده باشد پیش نیاید و برای آنکه نظم قانونی برهم زده نشود ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی مانع اجرای نظرات اصلاحی بانوان نگردد و احساسات مذهبی و دینی افراد جامعه نیز گرامی و محترم باشد بنظر میرسد لازم است ماده ذیل بطرح منبورا اضافه گردد؛
«حق طلاق طبق ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی است ولی اجرای آن در صورت مخالفت زوجه و همچنین در موارد مذکور در مواد ۱۱۲۹ و ۱۱۳۰ قانون مدنی مستلزم رجوع به شورای خانواده میباشد».

منظور داشتن این ماده در عین حال که نظر بانوان را تأمین کرده است هم حکم قانون اسلام را تأیید و تشدید نموده و هم در حقیقت طرح تشکیل شورای خانواده را بمنزله آئین و روش اجرای آیه «و ان خفتم شقاق بینهما...» ساخته است.

۲- در باره ای از اختلافات خانوادگی که موجب طلاق میگردد ملاحظه میشود در واقع زن و شوهر نیستند که باید یکدیگر اختلاف دارند بلکه افرادی از خانواده یکی از آنان یا طرفین هستند که آتش نفاق و شقاق را دامن میزنند و گاه جوانی بی ایمان برای آنکه زن زیبایی از خویشان خود را که پیوند زناشویی با دیگری دارد از دست او گرفته و با وی پیوند در میان میافتد و غالباً آن جوان چنان بر فکر و مغز زن مسلط میگردد که به صدق «صاحب الحاحه اعمی لایری الاقضاء» زن را کسور و کر ساخته صاحب اختیار وی میشود.

بدیهی است در چنین موردی شخص مورد اعتماد زوجه که طبق ماده ۲ طرح مورد بحث یکی از اعضاء شورای خانواده است آن جوان خواهد بود از طرف دیگر برای شخص مورد اعتماد محل که طبق ماده ۹ ریاست شورا را برهنده میگیرد هیچگونه شرایط و خصوصیاتی که موجب تفوق نظر و شایستگی وی جهت احراز این مقام باشد، منظور نگردیده است بنا بر این شورای خانواده واحدی خطی ناک و آتشین خواهد شد که از آن نمیتوان خاصیت معجز آسای خاموش ساختن نفاق و اختلاف خانواده را انتظار داشت. بنظر میرسد تکمیل این ماده با این نحو صلاح باشد که برای شخص مورد اعتماد محل و دو نفر از خویشاوندان زوجین این شرایط منظور گردد؛

الف- شخص مورد اعتماد محل دارای شرایط زیر باشد؛

اول- داشتن لا اقل ۵۰ سال سن

دوم- معروفیت به پاکدامنی و صداقت و امانت

سوم- نداشتن اعتیاد بمواد مخدره و اعتیاد یا تهاجر با استعمال مسکرات

چهارم- اشتغال نداشتن بکارهای دولتی و موسسات بلدی و نظامی

پنجم- داشتن عیال و اولاد

شرط سن بلمحاط مجرب بودن و نفوذ کلام و وراستگی و شرط داشتن عیال و اولاد بملت لازم درک مفهوم خانواده و شرط عدم اشتغال بکارهای دولتی و غیره بملت احتراز از تحت تأثیر مقامات واقع شدن، لازم و ضروری بنظر میرسد.

ب - شخص مورد اعتماد طرفین دارای شرایط زیر باشد ،

اول - داشتن عیال و اولاد

دوم - معروفیت به پاکدامنی و صداقت و امانت.

۳ - طبق ماده ۷ طرح قانون فوق الذکر در دعاوی خانوادگی خواهان مکلف گردیده است ضمن دادخواست شخصی را که از طرف او در شورای خانواده شرکت خواهد کرد انتخاب نماید با توجه بنماده ۷۰ قانون آئین دادرسی مدنی که تقدیم دادخواست را به دادگاههای دادگستری شرط لازم و کافی شروع برسیدگی دانسته است حکم ماده ۷ طرح قانون مزبور با عبارت ماده ۱ آن که میگوید «از تاریخ تصویب این قانون اختلافات خانوادگی قبل از طرح در مراجع قضائی در شورای بنام شورای خانواده مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت» متناقض خواهد بود بنا بر این بنظر میرسد ماده ۱ باین ترتیب اصلاح گردد :

« از تاریخ تصویب این قانون اختلافات خانوادگی مقارن طرح در مراجع قضائی در شورای بنام شورای خانواده مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت»

۴ - طبق ذیل قسمت ۱ ماده ۱۲ «۰۰۰» چنانچه شوری از دادن گواهی امتناع نماید دادگاه پس از انقضای مدت رسیدگی شوری گواهی مزبور را بشوهر خواهد داد» اگر معنی این ماده آن باشد که دادگاه صرفاً به محض تاخیر اعلام نظریه شوری مبادرت به تسلیم گواهی عدم حصول سازش بین زوجین را بشوهر میدهد تا شوهر بتواند با ارائه آن طبق موازین قانونی مبادرت بطلاق زن خود نماید این حکم برخلاف اصول عدالت و دادگستری است زیرا در این صورت تصور یا تقصیر شورا ممکنست باعث گردد که گواهی نامه بدون رسیدگی صادر شود و اگر اجرای حکم قسمت اخیر این ماده را مقید بانجام دادن رسیدگی موضوع ماده ۱۵ طرح قانون فوق بدانیم با فرض آن که ذینفع زوجه باشد دادگاه چه اقدامی میتواند انجام دهد؟

۵ - ضمن ماده ۳ مقرر گردیده است «۰۰۰» تعداد معتمدین محلی که برای شرکت در شوراهای خانواده انتخاب میشوند بر حسب جمعیت محل از طرف وزارت دادگستری معین خواهد شد.»

ظاهر منظور از این ماده تعیین تعداد معتمدین محلی در تمام شوراهای خانواده یک حوزه قضائی است نه تعداد آن در هر شورای خانواده زیرا که تعداد افراد هر شورای خانواده طبق ماده ۲ فقط یک نفر از اشخاص مورد اعتماد محل خواهد بود و ضرورتی ندارد که هر شورا بیش از سه عضو داشته باشد چه تعداد افراد در شوراهای باعث تاخیر در تشکیل آنها و تطویل کار خواهد گردید. در این صورت بنظر میرسد بهتر است اجمال عبارت ماده مزبور باین ترتیب مرتفع گردد: «۰۰۰» تعداد شوراهای محلی که برای هر حوزه قضائی لازم است بر حسب جمعیت محل از طرف وزارت دادگستری معین خواهد شد.»

در خاتمه مجدداً ناگزیر از تذکر این حقیقت است که طرح مزبور بهیچوجه جوابگوی احتیاجات فعلی جامعه ما نخواهد بود و بر فرض که نواقص آن بشرحی که معروض گردید یا بنحو پسندیده تری مرتفع شود باز هم کافی برای رفع مشکلات و پایان دادن به نامایمات خانوادگی نیست. خانواده را پرورش و تربیت صحیح فکری و نظام پرهیز کارانه و تقوی آمیز اجتماعی از گنبد با وجودت ناسازگاری و سوء رفتار باید حفظ کند که چون این بحث جنبه حقوقی ندارد از ورود در آن خودداری میشود .